

حقوق شهروندی از نگاه آموزه‌های اسلامی

۱ سانا ز فنائی

چکیده

امروزه توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف، مورد نظر محققان مختلف از جمله برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دارد. تمامی مطالعات و بررسی‌ها در این زمینه در پی تأمین حقوق مردم در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و حتی سیاسی ایشان است. در هر جامعه‌ی بشری مجموعه‌ای از اصول اخلاقی وجود دارد که به وضوح در زندگی روزمره‌ی مردم بروز می‌کند؛ اسلام نیز، به‌عنوان دین اصلی ایرانیان، با برخورداری از چهارچوب و ساختاری اجتماعی و با مجموعه‌ای کامل از اصول، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنابراین مطالعه در زمینه حقوق شهروندی در آموزه‌های اسلامی می‌تواند در وهله اول شناخت بهتری از این مفهوم ارائه نموده و سپس الگوی مناسبی برای به کارگیری در فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهرها تدوین گردد. در مطالعه پیش‌رو در ابتدا تعاریفی از شهروند و حقوق شهروندی ارائه می‌گردد، سپس براساس این تعاریف حقوق شهروندی از نگاه قرآن کریم، نهج‌البلاغه و امام سجاد(ع) (رساله حقوق و صحیفه سجادیه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت بر پایه نکات ارائه شده و با استمداد از رابطه سه‌گانه شهر، شهروند و شهریار(شهردار)، سیاست‌های دستیابی به حقوق شهروندان در جوامع اسلامی تدوین می‌گردد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، شهریار، قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه.

^۱ - دانشجوی دکتری شهرسازی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ پست الکترونیکی: sanazfanaci@gmail.com

مقدمه

به‌طور کلی با توجه به اهداف هر حکومتی، می‌توان به‌حقوق مردم از دیدگاه آن حکومت دست یافت. نخستین هدف در حکومت اسلامی مربوط به فرهنگ و ایدئولوژی است و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم از مهم‌ترین اهداف چنین حکومتی است. بنابراین دیدگاه قرآن به‌حقوق شهروندی که در آن حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش براساس بندگی خدا و قانون‌گذاری حق شکل می‌گیرد باید به‌عنوان الگویی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها مدنظر قرار گیرد.

هر فرد در زندگی نسبت به بستری که در آن زندگی می‌کند مسئولیت‌هایی در قبال خود و دیگران بر عهده دارد. اگر شهروندان از حقوق خود و همچنین حقوق دیگران و شهری که در آن ساکن هستند آگاهی داشته و به آن‌ها پایبند باشند، جامعه مذکور از استحکام و یکپارچگی بیش‌تری برخوردار خواهد شد. به‌منظور رعایت حقوق شهروندی و چگونگی عمل به آن‌ها و نحوه تضمین اجرای آن، باید شهروندان به‌خوبی از حقوق خود آگاهی داشته و بدین‌سان خواهند توانست به شکلی صحیح حقوق سایرین را رعایت نموده و همچنین توقعاتی منطقی و قابل انجام از دیگران داشته باشند.

در مطالعه پیش‌رو در ابتدا تعاریفی از شهروند و حقوق شهروندی ارائه می‌گردد، سپس براساس این تعاریف حقوق شهروندی از نگاه قرآن کریم، نهج‌البلاغه و امام سجاد(ع) (رساله حقوق و صحیفه سجادیه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. درنهایت بر پایه نکات ارائه شده و با استمداد از رابطه سه‌گانه شهر، شهروند و شه‌ریار (شه‌ردار)، سیاست‌های دستیابی به‌حقوق شهروندان در جوامع اسلامی تدوین می‌گردد.

شهروند و حقوق شهروندی

۱-۲- شهروند

شهروند فردی است که در رابطه با دولت، سایر شهروندان، شهر و محل سکونت خود در رابطه‌ای دو سویه است. وی در رابطه با دولت از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و در مقابل، در برابر دولت تکالیفی بر عهده دارد. این رابطه که در تمامی موارد مذکور به نحوی توسط افراد صورت می‌پذیرد را می‌توان شهروندی نام گذارد. شهروندی به‌عنوان منزلتی برای افراد در نظر گرفته می‌شود که از نظر حقوق بین‌الملل هم محترم بوده و دولت نیز حقوق

فطری، طبیعی و قانونی شهروندان را رعایت و از آن حمایت می‌کند. اگرچه ملیت را اغلب به معنای شهروندی به کار می‌برند، اما ملیت معنای وسیع‌تری از شهروندی دارد. به این ترتیب شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان داشته و در کل مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های ساکنان یک اجتماع می‌باشد. این مجموعه فعالیت‌های ذکرشده توسط هر فرد، در صورت هم‌راستا بودن با اهداف اجتماع در کنار سایر اعضای جامعه به پیشرفت و ارتقاء کیفیت زندگی در شهر خواهد افزود.

در تعریف شهروند می‌توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آن‌ها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه می‌کند و در مجموع از حقوق معینی برخوردار است. افراد از این امر آگاهی دارند که شهروندان دیگری نیز در جامعه حضور دارند و دفاع از حقوق ایشان به معنی دفاع از حقوق شخصی خود و سایرین که در امور شهری مشارکت دارند خواهد بود. پس شهروندی نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص، بلکه به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی، فردی و اجتماعی است.

درواقع شهروند کسی است که وظایف وی و میزان پابندی او به این وظایف، حقوقش را تعیین می‌کند. در نتیجه باید گفت شهروندی یعنی مشارکت و همکاری با سایر اعضای جامعه در تعیین سرنوشت خویش، که شامل بهره‌بردن از امکانات شهر تا حد نیاز و برخورداری از حقوق سیاسی، اجتماعی، فردی و ... می‌شود. در این راستا، شهروند مطلوب کسی است که مسئولانه رفتار کرده و مسئولیت وظایفی که برعهده دارد را بپذیرد.

۲-۲- حقوق شهروندی

براساس آنچه که پیش‌تر اشاره شد شهروندی بیانگر ارتباط میان حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکتی است که برای هر نوع اجتماعی لازم و ضروری است و شهروندی را می‌توان به‌عنوان ساز و کار مناسبی در راستای تحقق‌پذیری حقوق و تکالیف افراد دانست. در حقیقت مهم‌ترین ویژگی شهروند، که به واسطه آن از چنین منزلتی برخوردار شده و بدین‌سان دارای چنین مقامی شده است، به همان احساس مسئولیتی اشاره دارد که در قبال زندگی خود، سایر شهروندان، مسئولان و متخصصان مدیریت شهری و شهری که در آن ساکن است، بر عهده دارد. به هر میزان شهروندان یک جامعه شهری احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند،

درواقع بر وسعت گستره حقوق شهروندی خود و سایر شهروندان افزوده و به ثبات و نهادینه‌سازی آن کمک می‌نمایند. به این ترتیب می‌توان گفت که حقوق شهروندی براساس احساس مسئولیت هر شهروند در قبال شهر و محیط پیرامونش و همچنین رعایت حقوق سایر شهروندان، تعیین می‌شود.

حقوق شهروندی از نگاه قرآن کریم

خداوند انسان‌ها را بسیار محترم شمرده و انسان را موجودی صاحب کرامت از جانب خویش می‌داند و اشاره می‌فرماید که: ما به فرزندان انسان کرامت بخشیدیم (اسراء، ۷۰). این ارزش و مقام که از طرف خدا به انسان هدیه شده است می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی برای ایشان به همراه داشته باشد. در ابتدا اولین و مهم‌ترین ارزشی که به انسان اهدا شده، حق زندگی است که امکان حضور در این دنیا را به وی می‌دهد. از آنجا که خداوند این مهم را به انسان‌ها ارزانی داشته است بنابراین حق **حیات** به‌عنوان نخستین و اساسی‌ترین حقوق شهروندی مطرح می‌گردد. همان‌طور که خداوند نیز اشاره دارد: هرکس، فردی را بکشد که کسی را نکشته و یا در زمین فسادى نکرده است، گویی همه مردم را کشته است (مائده، ۳۲). به این شکل هر فرد باید بتواند بدون هیچ تهدیدی در راستای حیاتش، چه از جانب سایر گروه‌های ساکن در جامعه، چه مدیران شهری که وظیفه هدایت شهر را برعهده دارند و نهایتاً ویژگی‌های بستر شهر که می‌تواند ساکنان را در مقابل مصائب طبیعی و گزند دشمنان مصون دارد، به زندگی بپردازد.

در ادامه **امنیت و راحتی** شهروندان به‌عنوان یکی دیگر از حقوق اولیه ایشان مطرح می‌شود که نه تنها افراد باید از آن بهره‌مند گردند بلکه در راستای ایجاد آن برای سایرین نیز بکوشند. همانگونه که در آیه ۲۸ سوره نور اشاره شده است: ای اهل ایمان به هیچ‌کس از خانه‌های خودتان تا با اجازه صاحبانشان اجازه ندرارید وارد شوید. و یا آیه ۱۴۸ سوره نساء: خداوند دوست ندارد که آشکارا از کسی بدگویی شود مگر کسی که به او ظلم شده است. بنابراین حق مظلوم در برابر ظالمان مطرح شده و افراد نباید هیچ برخوردی که آسایش و آرامش زندگی فرد دیگری را مختل کند از خود بروز دهند. هم‌چنین، قرآن کریم ایجاد امنیت و حفظ و حراست از مردم در برابر ستم‌گران و بیگانگان و نیز بهره‌مندی از کسب و کار، آزادی و آسایش را حق همه مردم می‌داند، مگر آن که موجب ضرر فرد یا اجتماع شود.

حق دیگری که برای افراد مطرح می‌شود و می‌توان زیرمجموعه‌های متعددی برای آن قائل شد، **آزادی** هر فرد برای زندگی است. زندگی کردن به شکل مطلوب و مورد نظر برای هر فرد و آزادی‌هایی که بتواند راه رسیدن به سعادت و کمال هر فرد را تأمین نماید، از حق بیان و عقیده تا دسترسی به امکانات آموزشی، فرهنگی و حمایت‌های درمانی، همگی حقوقی است که هر شهروند باید از آن برخوردار باشد. از نحوه نگرش به زندگی که خداوند در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: اجباری در دین نیست، تا آیه ۱۶۴ سوره آل عمران که می‌فرماید: خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از خود ایشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را پاک می‌کند و کتاب و حکمت می‌آموزد، نشان از این دارد که باید بستری با تمامی امکانات برای شهروندان فراهم گردد و ایشان با آزادی و حق انتخابی که خواهند داشت مسیر زندگی خود را تعیین نمایند.

حق دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود از اینجا آغاز می‌شود که خداوند همه را از یک انسان آفرید (نساء، ۱) و این نشان از **عدالت** و نبود تبعیض میان گروه‌های مختلف از نگاه پروردگار دارد. هیچ گروهی یا قومیتی نسبت به دیگری برتری نداشته و گرمی‌ترین افراد نزد خدا پرهیزگارترین افراد می‌باشند (حجرات، ۱۳). پس تمامی گروه‌های قومی، جنسی و سنی باید قادر باشند به امکانات مختلف در شهر دست یابند چرا که خداوند به دادگری و احسان



نمودار ۱: حقوق اولیه شهروندی از نگاه قرآن کریم

فرمان می‌دهد (نحل، ۹۰). در نهایت مطالب ارائه شده در زمینه حقوق شهروندان از نگاه قرآن را می‌توان در قالب نمودار ۱ جمع‌بندی نمود.

حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه

همان‌طور که اشاره شد، موضوع شهروندی رابطه ساکنان شهر را با بستر شهر، سایر شهروندان و مدیریت شهر یا به عبارتی شهردار را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر حقوق شهروند از طرف حکومت و مدیران شهری رعایت شود، مشارکت مردمی صورت گرفته و ایشان از حقوق خود مطلع بوده و برای حقوق سایرین نیز ارزش قائل شوند، حقوق شهروندی در جامعه مذکور حفظ می‌گردد. زندگی در شهر و شهروند یک مکان بودن، باید براساس مبانی ارزشی و انسانی که بدون شک از فطرت هر فرد نشأت می‌گیرد در رابطه با بستر طبیعی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه موردتوجه قرار گیرد. نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از کتب راهنمای مسلمانان در این راستا راهنمایی‌های ارزشمندی داشته، همان‌گونه که در آن چنین اشاره شده است: *ثما نه فقط در برخورد با انسان‌ها، بلکه در رابطه با بلاد و سرزمین‌ها و چهارپایان نیز باید در برابر حق و خلق پاسخ‌گو باشید* (خطبه ۱۶۷).

در این بخش بر مبنای سیره نظری و عملی امام علی(ع) به بررسی و تحلیل حقوق شهروندی پرداخته می‌شود. یکی از اهداف اساسی امام علی(ع) مشابه آنچه که در قرآن نیز ذکر شده است **تکریم و احترام** به شخصیت انسان و بطور کلی کرامت انسانی است. ایشان در فرازی از نامه به مالک اشتر می‌فرماید: باید دلت از رحمت و محبت مردم مالمال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری و نباید همچون جانور درنده‌خو آنان را غنیمت شمرد؛ زیرا مردم دو صنف هستند: گروهی برادر دینی تو هستند و دسته‌ای اگرچه مسلمان نیستند، اما مثل تو انسان هستند و انسان محترم است (نامه ۵۳). بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که در متون به جا مانده از آن حضرت بتوان الگوهای کارآمد و ارزشمندی در راستای حقوق شهروندی و شیوه‌های رعایت و دستیابی به آن، دریافت.

از اهداف کلی و اساسی حقوق شهروندی از نظر علی(ع) **برقراری امنیت و آسایش مردم** بوده است. این امنیت و آسایش نه تنها باید در مقابله با دشمنان صورت گرفته شده، بلکه باید کیفیت زندگی افراد را در تمام مراحل زندگی در حدی مطلوب تأمین کند. ایشان به مالک اشتر می‌فرمایند: تو را بر چهار مسئولیت موظف کردم؛ تا مالیات‌های آن سرزمین را جمع‌آوری کنی؛

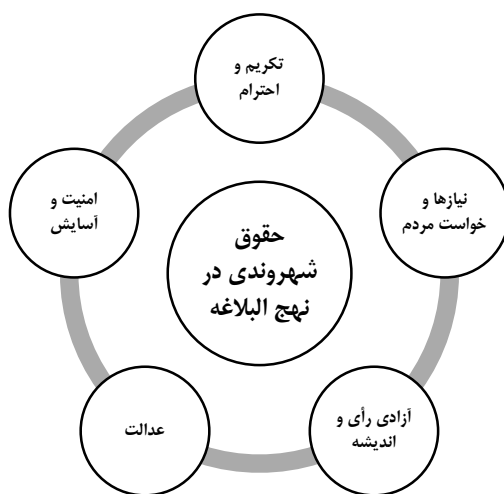
با دشمنان آن سرزمین بجنگی؛ به اصلاح اهل آن همت گماری؛ و به عمران و آبادانی آن مناطق پردازی (نامه ۵۳). ایشان همچنین در تأمین آبادانی و رفاه شهروندان اشاره می‌کند که: کوشش تو در آبادانی زمین بیش از کوشش در جمع‌آوری مالیات باشد؛ زیرا مالیات جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن کس که بخواد مالیات را بدون آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌سازد و حکومتش بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت (نامه ۵۳). در زمینه رسیدگی به گروه‌های مختلف شهروندان و تأمین آسایش ایشان نیز اشاره می‌فرماید که: افراد سالخورده و مریض و از کار افتاده و ناتوان در برابر جامعه تکلیفی ندارند، ولی حقی دارند و لازم است از آنان مانند شهروندی از جامعه مراقبت شود (نامه ۵۳). بنابراین متوجه می‌شویم نه تنها حفظ امنیت شهروندان از حقوق مسلم ایشان بوده، بلکه تأمین نیازهای افراد به گونه‌ای که قادر باشند به شکل مناسبی به گذران زندگی خود بپردازند نیز حقی است که باید از سوی جامعه مدنظر قرار گیرد.

امام علی(ع) همان‌گونه که در عمل نیز این امر را به اثبات رسانید، به **آزادی** افراد و اختیار ایشان در گزینش شیوه زندگی معتقد بود. وی آزادی اندیشه و رأی، آزادی‌های مدنی و حقوق پایه، تنوع فرهنگی، پیشرفت سیاسی با بهره‌گیری از مشارکت مردمی را در زندگی جمعی ضروری دانسته و برای تحقق آن‌ها تلاش می‌نمود (نامه ۵۳). در همین راستا در نامه‌ای به معاویه به آزادی تفکر مردم اشاره می‌فرماید: همانا شورای مسلمانان از آن مهاجرین و انصار است، پس اگر بر امامت کسی گرد آمدند و او را امام خواندند، خشنودی خدا هم در آن است (نامه ۶).

از بُعد حکومتی نیز امام علی(ع) در پی نظم بخشیدن به امور مختلف سیاسی و اجتماعی مردم و اجرای قانون بوده است؛ به این میزان که در پاسخ فردی که چنین سؤالی را مطرح می‌نماید: کدامیک برتری دارد، عدل یا بخشندگی؟ می‌فرماید: **عدل** جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد، اما بخشش آن‌ها را از مجرای خود خارج می‌سازد (حکمت ۴۳۷). عدالت یکی از پایه‌ای‌ترین اصول اسلام در روابط اجتماعی است. رعایت عدالت که یکی از حقوق اصلی شهروندان به شمار می‌رود، عدالت حاکم نسبت به مردم، عدالت مردم نسبت به حاکم و عدالت مردم نسبت به یکدیگر را شامل می‌شود.

در حکومت حضرت علی(ع) علاوه بر توجه به رعایت عدالت در سطوح مختلف، توجه خاصی به توده مردم و خواست و اراده ایشان شده است و در واقع به دست گرفتن حکومت را مشروط به **خواست و اراده مردم** می‌داند. در نامه ایشان به مالک اشتر آمده است که: بهترین چیزی که موجب سرفرازی و چشم روشنی والیان می‌شود، آن است که در همه جا عدالت حکمفرما باشد و مردم مهر خود را نسبت به والی آشکار سازند. خیرخواهی مردم وقتی ثابت می‌شود که گرد والی را بگیرند و او را از گزند محافظت کنند، نه اینکه فرمانروایی او را بر خود سنگین شمارند (نامه ۵۳). بنابراین مردم‌سالاری و توجه به خواست مردم در حکومت آن حضرت جایگاه والایی داشته است. به این صورت که: ساختار قدرت را بر قانون‌پذیری و نفی تفرد و تمرکز و توزیع آن بین مردم بنا نهد، اصلاح روابط و مناسبات انسانی را هنجار قرار دهد و تعهدات حقوقی خویش با مردم را پاس نهد (خطبه ۲۱۶).

مشخص است که هدف امام علی(ع) در نظام مدیریت خویش، حفظ و رسیدن عادلانه همه اقشار و گروه‌های انسانی به عزت نفس و کرامت انسانی بوده است. پس ضرورت توجه به این امر ایجاب می‌کند تا همه شهروندان از حقوق و مزایای شهروندی بهره‌مند گردند. عمده ابعاد مختلف حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه در نمودار ۲ آمده است.



نمودار ۲: ابعاد مختلف حقوق شهروندی در نهج البلاغه

حقوق شهروندی در کلام امام سجاد(ع)

در رساله حقوق امام سجاد(ع) احکام و وظایفی که از سوی خداوند نسبت به اصناف مختلف بر انسان قرار داده شده تفسیر شده است. در واقع این رساله دربرگیرنده وظایف اخلاقی یک انسان موحد است. در مجموع ۵۱ حق مورد بحث رساله قرار گرفته است که در هفت دسته حق خداوند، حق نفس و اعضای بدن، حق افعال عبادی، حق حاکم و مردم، حقوق خویشاوندان، حقوق برخی اصناف اجتماعی و حق مالی تشریح شده است.

اولین حق، حق خدای بزرگ بوده که انسان باید به پرستش وی همت گمارد، در ادامه حق نفس بوده که در طاعت خدای عزوجل باشد. اگر بخواهیم به طور دقیق تر به بررسی حقوق شهروندان بپردازیم، می توان اشاره داشت اگرچه ابعاد مختلف حقوق انسانی به هم مرتبط می- باشد اما عناصر شهر، شهروند و شهردار و حقوق مربوط به آنها می تواند جزئی تر و با تفصیل بیشتری حقوق شهروندی را معرفی نماید. حق مولی بر افراد این است که از فرمان وی اطاعت کنند و جز در آنچه موجب خشم خداوند است نافرمانی نکنند. در مقابل حق رعیت آن

است که با ایشان با **عدالت** رفتار شود. حق همسایه که می‌تواند برای ساکنان محلات کارآمد باشد این است که به همسایه خود **احترام** گذاشته و اگر ستم دیده بود او را یاری کرده و عیب او را جویا نشده، اگر از او زشتی دید آن را بپوشاند، اگر دانست اندرز وی را می‌پذیرد او را اندرز دهد و هنگام سختی او را رها نکرده و از خطای او در گذشته و گناه او را بخشوده با او بزرگوارانه معاشرت نماید.

علاوه بر رساله حقوقی، امام سجاده(ع) در صحیفه سجادیه و دعا‌های خود نیز، ساختاری برای زندگی به‌عنوان شهروندی مطلوب ترسیم می‌نماید. در وهله اول ایشان به اهمیت **شکرگزاری** پرداخته و تا جایی پیش می‌رود که عدم شکر نعمت را سبب خارج شدن از هویت انسانی دانسته و ناسپاسان را هم ردیف چهارپایان بلکه پست‌تر معرفی می‌نماید، چرا که کفران و قدرشناسی نعمت‌ها نشانه بی‌خردی است. این قدردانی نه تنها باید در مورد خالق جهان صورت گیرد، بلکه فرد باید قدردان نیکی دیگران نیز باشد؛ *پروردگارا من از خوبی‌هایی که به من شد و سپاس آن را به جای نیاورده‌ام به درگاہت عذرخواهی می‌کنم (۱/۳۸)*.

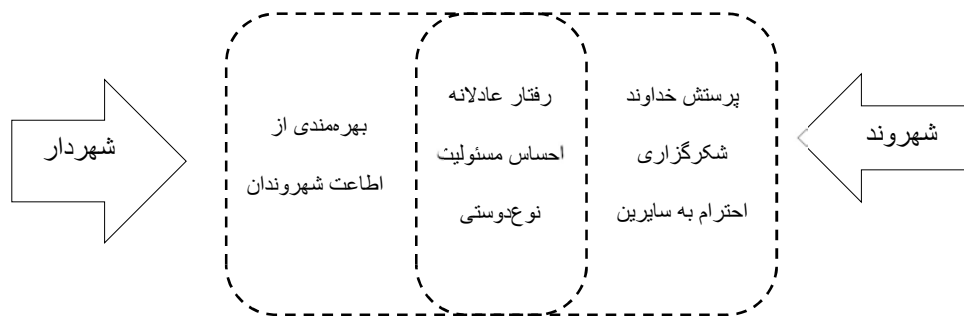
موضوع دیگری که به‌عنوان وظایف شهروندان در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده **احساس مسئولیت** و پیوند برادری میان اعضای جامعه است. از نظر امام سجاده(ع) اهل جامعه اسلامی تنها برای خود زندگی نمی‌کند، بلکه نسبت به مردم و جامعه خود احساس مسئولیت می‌کند و این‌گونه اشاره می‌فرماید که: در دنیا تقوا را توشه من برای آخرت قرار بده و به‌سوی رحمت خود دلم را متنفّر از اشرار خلقت بگردان و عطا فرما مرا انس با خود و دوستان [خود] و اهل طاعت خود (۱۱/۲۱).

یکی دیگر از شاخصه‌های مثبت شهروندی در ارتباط با دیگران، ورا‌ی دین و مذهب، **نوع دوستی** است که از فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرد و متضمن اهتمام به امور یکدیگر می‌باشد و در بخش‌های مختلف صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است. مثلاً دعای سی و نهم دربردارنده‌ی بهترین روش‌های مردم دوستی صادقانه است؛ که با زبان نیایش بیان شده است. هم‌چنین ایشان با تمسک به تقوای الهی در اهتمام به امور مردم می‌فرمایند: پروردگارا، درود بفرست بر محمد(ص) و آل او و مرا بیارای به زینت صالحان، قدرتی ده تا بسط عدل و داد را بگسترانم و خشم خود را فروشانم. با خلق، خوش رفتار و آسان‌گیر و متواضع و خوش‌سیرت و

سنگین و باوقار و نیکو خلق باشم و سبقت گیرم به هر فضل و کمال، و زیادی مال را به مستحقان اعطا کنم و سرزنش را ترک کنم و عطا به غیر مستحق نکنم (۱۰/۲).

مورد بعدی که باید به آن اشاره نمود مراعات حق و دفاع از آن است که در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است: ما را در این روز و شب و همه روزهایمان توفیق عطا فرما... و یاری حق و گرامی گردانیدن آن، و راهنمایی گمراهان و کمک به ناتوانان و رسیدن به فریاد ستم‌دیده. شهروند آرمانی از نگاه صحیفه سجادیه فردی ظلم‌ستیز است که ستمگری را نه از خود و نه به خود می‌پذیرد؛ بنابراین دیگر حقی که می‌توان برای وی متصور شد بسط **عدالت اجتماعی** است. عدالت اجتماعی مبدأ و منشأ ظهور دیگر فضائل اجتماعی است و تحقق عدالت و از بین رفتن ظلم، تعدی و بی‌انصافی در جامعه، زمینه تحقق عدالت در نفس به‌عنوان یک فضیلت بنیادین و زیربنایی را فراهم می‌آورد؛ به ویژه عدالت حاکم و زمامدار بسیار مهم می‌باشد به‌طوری که هرگاه حاکم عادل باشد در ثواب طاعت‌های مردم شریک است. به این شکل که امام سجاده (ع) اشاره می‌فرماید: پروردگارا مرا بیارای به زیور صالحان و به جامه زینت اهل تقوا بیوشان که بساط عدل و داد را بگسترانم و خشم خود را فرونشانم و خاموش سازم آتش فتنه و تفرقه امت را جمع و اختلاف بین مسلمین را اصلاح گردانم (۱۰/۲۰). ایشان با تأکید بر دفاع از حق می‌فرمایند: زیادی مال را به مستحقان اعطا کنم و سرزنش را ترک کنم و اعطا به غیر مستحق نکنم و سخن به‌حق بگویم با خلق، اگرچه سخت باشد (۱۰/۲۰).

امام سجاده (ع) مانند دیگر پیشوایان معصوم، وظیفه سنگین هدایت‌گری و تبیین دین و نشان دادن راستی‌ها و کژی‌ها را بر عهده داشته و به انجام رسانده‌اند. از جمله آموزه‌های ایشان شناختی است که انسان نسبت به خود پیدا کرده و کمک می‌کند تا شهروند جامعه اسلامی به‌عنوان موجودی الهی خود و رابطه خود با خدا و سایر شهروندان را اصلاح و کامل نموده و به‌عنوان عضوی از جامعه که هویتی فردی و اجتماعی دارد، نیازهای مادی و معنوی خود و سایر افراد را در چهارچوبی منطقی برآورده سازد. طبق مواردی که از رساله حقوق و صحیفه سجادیه برآمد می‌توان حقوق شهروند و شهردار را در نمودار ذیل خلاصه نمود. از آنجا که هم شهروند و هم شهردار در راستای مدیریت شهر از حقوقی برخوردار هستند بنابراین اشتراکاتی نیز در این بخش دیده می‌شود که در نمودار ۳ قابل مشاهده است.



نمودار ۳: حقوق شهروند و شهردار از نگاه امام سجاد(ع)

نتیجه‌گیری

توجه به تعالیم ادیان الهی، نقش مؤثر آن‌ها را در شکل‌دهی و ترویج حقوق بشر روشن می‌کند، زیرا خاستگاه حقوق بشر، فطرت انسان است، خالق این فطرت بهتر و بیشتر از هر مرجع دیگری از آفریده خود اطلاع دارد. فطرتی که انسان برای دستیابی به آن باید از لایه‌های خودخواهی عبور کند. حقوق‌دان و قانون‌گذار می‌خواهند جامعه بشری را با تنظیم و تعیین برنامه‌های فردی و اجتماعی به‌سوی کمال رهبری نمایند، و در پرتو تعیین وظایف افراد و تأمین حقوق آنان سعادت جسمی و روانی آن‌ها را فراهم کنند.

از دیدگاه اسلام بین تمام ذرات جهان هستی ارتباطی وجود دارد که به‌خاطر هدفی آفریده شده‌اند، و یک نوع شعور کلی بر مخلوقات عالم حکم فرما است. اسلام یک سلسله مبانی حقوقی دارد که قوانین خود را براساس آن اصول و مبانی وضع کرده است. از سوی دیگر از آنجا که تکامل و پیشرفت انسان در ارتباط با دیگران و در جامعه رقم می‌خورد، بررسی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهروند و حقوق وی باید در بستر جامعه صورت گیرد. به هر روی زندگی شهری یک زندگی جمعی است و برای موفقیت و کامیابی در این شیوه زندگی باید فردگرایی و منفعت‌طلبی از میان برداشته شده و اخلاق جمعی گسترش یابد. از این‌رو که ما ساکن جامعه‌ای اسلامی هستیم، بدون تردید بهره‌گیری از آموزه‌ها و دستورات دینی خواهد توانست راهنمای مناسبی برای شکل‌دهی به سبک زندگی شهروندان و برنامه‌ریزی و طراحی بستری مناسب برای زندگی در قالب فرهنگ اسلامی باشد.

در مطالعه پیش‌رو با بررسی تعاریفی که از شهروند مطرح شد متوجه می‌شویم شهروند واقعی کسی است که هم به خود و منافع خویش نظر داشته و هم منافع و خواسته‌های دیگران را موردتوجه داشته باشد و با همکاری و همراهی با سایر شهروندان و قبول وظایف و مسئولیت‌ها، شرایط مطلوبی برای خود و دیگران فراهم آورد. هم‌چنین حقوق شهروندی از نگاه قرآن کریم، نهج‌البلاغه و امام سجاد(ع) (رساله حقوق و صحیفه سجادیه) مورد بررسی قرار گرفته که براساس نکات اشاره شده در هر بخش و با استمداد از رابطه سه‌گانه شهر، شهروند و شهردار (شهردار)، سیاست‌های دستیابی به حقوق شهروندان در جوامع اسلامی در جدول ذیل تدوین شده است.

جدول ۱: ابعاد حقوق شهروندی و سیاست‌های دستیابی به آن براساس عناصر شهر، شهروند و شهردار

ابعاد حقوق شهروندی از آموزه‌های اسلامی	سیاست‌های دستیابی به حقوق شهروندی	عناصر مرتبط
حیات شهروندان	عدم وجود تهدید در زندگی شهروندان محافظت در مقابل مصائب طبیعی محافظت در برابر گزند دشمنان	بستر شهر وظایف شهردار
امنیت و آسایش	امنیت و حفظ و حراست در برابر ستم‌گران بهره‌مندی از کسب و کار مناسب وجود کیفیت مطلوب زندگی تلاش شهروندان و شهردار برای عمران و آبادانی تلاش برای اصلاح و هدایت افراد توجه به زندگی گروه‌های ویژه (سالمتان، کودکان و ...)	بستر شهر وظایف شهردار وظایف شهروندان
آزادی	امکان زندگی به شکل مطلوب هر فرد حق آزادی بیان، اندیشه و رأی بهره‌گیری از مشارکت مردمی	وظایف شهردار وظایف شهروندان
عدالت و اطاعت	نبود تبعیض میان افراد و گروه‌های مختلف قومی، جنسی و سنی رعایت عدالت حاکم (شهردار) در برخورد با شهروندان و بالعکس رعایت عدالت شهروندان در رابطه با یکدیگر	وظایف شهردار وظایف شهروندان
تکریم و احترام	توجه به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان مسئولیت‌پذیری افراد در برابر مسئولان (شهردار)	وظایف شهردار وظایف شهروندان

وجود حکومتی مردم‌سالار	احترام به همسایه و سایر شهروندان
------------------------	----------------------------------

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت برای زندگی شهروندان باید بستر امنی فراهم گردد که بتوانند با آرامش در آن زندگی کنند و این وظیفه‌ای است که هم شهردار و بنیان‌گذار شهر بر عهده دارد و هم هر یک از شهروندان باید در جهت تأمین آسایش یکدیگر به آن توجه نمایند. شهری که نیازهای شهروندان را از مادی‌ترین سطوح آن تا ابعاد بالاتر که برای هر فرد متفاوت است در نظر داشته باشد و هیچ‌گونه تفاوت و تبعیضی برای دسترسی افراد به این امکانات وجود نداشته باشد. این حقوق جایی تکمیل می‌شود که با وجود آسایش و امکان رفع تمام نیازها، افراد بتوانند مسیر زندگی خود را با اختیار و آزادی تعیین نموده و نه تنها مانعی بر سر راه آن‌ها نباشد بلکه هیچ شیوه و اجباری نیز بر ایشان تحمیل نگردد.

منابع

- ادیب‌زاده، ب. (۱۳۹۵)، *جزوه کلاسی درس شهرسازی و فرهنگ اسلامی و شهرسازی معاصر ایران*، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران.
- خلیلی، م. (۱۳۸۹)، *متن و ترجمه رساله حقوق امام سجاد(ع)*، انتشارات علامه وحید بهبهانی، قم.
- رضی، ش. (۱۳۸۱)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات ولی‌عصر، تهران.
- صحیفه سجادیه (۱۳۸۷)، ترجمه حسین الهی‌قمشه‌ای، انتشارات هاد، تهران.
- قرآن کریم (۱۳۷۷)، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات دارالقرآن کریم، تهران.